

فصلنامه علمی- پژوهشی **ره‌یافت**

سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵
صفحه ۳۹ تا ۵۶

بررسی مقایسه‌ای اصول فکری تشیع (با تمرکز بر امام خمینی ره) و نوسلفی گری (با تمرکز بر داعش)

علی محمد خاکسار / دانش‌آموخته کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
m.khaksar1990@ut.ac.ir

منصور میراحمدی / استاد گروه علوم سیاسی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه بهشتی
m_mirahmadi@sbu.ac.ir

حمزه صفوی / استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
safavi@ut.ac.ir

چکیده

در سال‌های اخیر مسلمانان دچار جنگ داخلی شده‌اند که ناشی از ظهور گروه تروریستی موسوم به دولت اسلام شام و عراق یا داعش است. این گروه نوسلفیسم محسوب می‌شود و افراطی‌تر از سلفی‌گرایان است. بیشترین تضاد داعش، با تشیع و تجلی آن در تفکرات امام خمینی(ره) در قالب جمهوری اسلامی است. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش است که چه تفاوت‌هایی بین اصول نوسلفیسم (متمرکز بر داعش) و اصول فکری تشیع (متمرکز بر امام خمینی) هست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تضاد نوسلفیسم و تشیع برگرفته از اصول اندیشه‌ای آن‌ها است. این اصول به‌طور نظیر به نظیر متضادند. تشیع دارای اصولی مانند اجتهاد، عقل‌گرایی، وحدت، توجه به زمان-مکان، توجه به اصل-مهم-مهم و عدالت است. در مقابل نوسلفیسم دارای اصولی مانند سلفی‌گری، تکفیر فراگیر، نص‌گرایی و لزوم نابودی همه دولت‌ها است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. داده‌ها با روش کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده‌اند. همچنین تلاش شده از منابع دست‌اول مانند سخنرانی افراد استفاده شود.

کلید واژه: داعش، نوسلفیسم، تشیع، امام خمینی(ره)، تکفیر، خشونت.

تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۱۱/۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۹/۲۵

مقدمه

با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ گروه‌های نوسلفی مختلف در این کشور ایجاد شدند که هر کدام دیدگاه‌های اعتقادی، انگیزه‌ها، اهداف، خواسته‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی متفاوتی دارند. از جمله مهم‌ترین گروه‌های نوسلفی در حال حاضر داعش، جبهه النصره و جیش العدل هستند (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۳۵). گروه تروریستی داعش که از سال ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را دولت اسلامی شام و عراق می‌نامد، بخش‌هایی از عراق و سوریه را به تصرف خود درآورده است. این گروه به سرکردگی ابوبکر بغدادی که دارای عقاید شدید وهابی و سلفی است، به رادیکال‌ترین گروه اسلام‌گرا تبدیل شده است. داعش در واقع ادامه یک گروه سلفی جهادی در عراق به رهبری ابو مصعب زرقاوی بود. زرقاوی اعتقادات خود را از درس‌های ابن تیمیه گرفته است. ابن تیمیه رهبر تمام گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا و جهادی است. این عقاید از ابن تیمیه به محمد ابن عبدالوهاب و سپس از وی به رهبران نوسلفیسم کنونی به ارث رسیده است (نجات، ۱۳۹۵: ۳۵). در اینجا این پرسش اساسی مطرح است که چه تفاوت‌هایی بین اصول اندیشه‌ای تشیع و نوسلفیسم وجود دارد؟ همچنین سؤالاتی فرعی مرتبط با سؤال فوق مطرح است. به عنوان مثال، آیا تفاوت‌ها بین دو نوع تفکر نوسلفیسم و شیعه، به صورت نظیر به نظیر است؟ چگونه اصول نوسلفیسم به خشونت افراطی منتهی می‌شود ولی اندیشه تشیع با محوریت اندیشه امام خمینی که قریب چهار دهه به صورت حکومت شیعی در ایران ظهور یافته است به خشونت کشیده نشده است؟ این مقاله با این فرض نگاشته شده است که نوسلفیسم یکی از شاخه‌های افراطی اسلامی است و در اثر اصولی که از ابن تیمیه به ارث برده بر بازگشت به سلف‌گرایی، وهابیت و نص‌گرایی شدید تأکید دارد. ابن تیمیه و محمد ابن عبد وهاب از نظریه‌پردازان سلفیسم و سید قطب (پایه‌گذار خشونت و مؤسس نوسلفیسم)، ابوالاعلی مودودی (توجیه‌کننده عملی خشونت به عنوان بهترین روش)، محمد عبدالسلام فرج (مفسر جهاد در قالب خشونت) از نظریه‌پردازان نوسلفیسم هستند. (نجات، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۶) مقاله پیش رو ابتدا مفاهیم نوسلفی‌گری و تشیع را به عنوان دو مفهوم اساسی این مقاله توضیح می‌دهد. سپس عقاید تشیع با تمرکز بر اصول فکری امام خمینی را با عقاید نوسلفیسم با تمرکز بر داعش مقایسه می‌کند. در این جهت سعی در تفکیک نظیر به نظیر عناصر متضاد اصول فکر دو تفکر تشیع و نوسلفیسم صورت گرفته است.

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- نوسلفی‌گری

فهم نوسلفیسم بدون بررسی لغوی و اصطلاحی سلفی امکان‌پذیر نیست. سلف در لغت به معنای پیشین و کسانی است که در گذشته زندگی می‌کردند. تفاوت اصلی اصطلاح نوسلفیسم و سلفیسم در تعریف خاصی هست که نوسلفیسم از مفهوم بدعت، تقابل سنت و بدعت و سرانجام میل به تکفیر همه مسلمانان غیر از خود و خشونت افراطی علیه همه دارند (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۴۲). اصطلاح نوسلفیسم بر مفاهیمی چون احیای خلافت اسلامی، جهاد، دارالحرب و دارالسلام، تکفیر، مبارزه با عقل استوار است (نجات، ۱۳۹۵: ۴۲).

۱-۲- تشیع

شیعه و تشیع دارای دو مفهوم لغوی و اصطلاحی است. واژه شیعه به معنای دسته و گروه است. لسان العرب می‌گوید: «به هر قومی که بر یک امر اتفاق نظر دارند شیعه گفته می‌شود. هر قومی که هدف واحدی داشته و از عده‌ای دیگر تبعیت کنند شیعه هستند (جمال‌الدین، ۱۴۱۴: ۱۸۸-۱۸۹). امام خمینی (ره) تشیع را به گونه‌ای تعریف می‌کند که خصوصیت اتحاد در درون اسلام و مبارزه با دشمنان اسلام پیدا دارد. ایشان تشیع و اسلام ناب را همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از صاحب آن، پیامبر اکرم (ص) بی‌هیچ پیرایه و آرایشی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و سپس از آن حضرت به ائمه بعدی (ع) منتقل شده است (صحیفه امام، امام خمینی، ج ۲۱: ۲۰۴).

۲- توجه به اصول اهم- مهم و مقتضیات زمان- مکان در برابر اصل سلفی‌گری

در این بخش سه اصل توضیح آمده: اصل اهم- مهم و اصل مقتضیات زمان-مکان از تفکر تشیع که در تضاد است با اصل سلفی‌گری از تفکر نوسلفیسم. اصل مقتضیات زمان- مکان و اصل اهم- مهم در تشیع و خصوصاً در تفکر امام خمینی (ره) پیوستگی زیادی با یکدیگر دارد. اما برخورد نوسلفیسم با موقعیت کنونی اسلام چه بوده است؟ اصل اهم و مهم در اندیشه امام خمینی (ره) چگونه به گسترش صلح در میان مسلمانان کمک می‌کند؟ اصل تقدم اهم بر مهم در واقع علت اصل دعوت به وحدت است. امام خمینی یک عالم شیعی بود. وی باور داشت که آموزه‌های تشیع بر تمام فرق اسلامی برتری دارد. ولی مهم‌تر از این برای ایشان حفظ کل امت اسلامی از گزند کسانی بود که دشمن کل اسلام هستند. بنابراین اساسی‌ترین امر اهم که ایشان تقدم آن را بر سایر امور پیوسته یادآوری می‌فرمودند حفظ نظام اسلامی در پرتو حفظ وحدت بوده است: «دعوت به وحدت از اهم اموری است

که امروز در جامعه ما لازم است و تا قشرهای این ملت وحدت نداشته باشند و همفکر نباشند به مقصد نخواهند رسید.» (صحیفه نور، امام خمینی، ج ۱: ۵۳۶).

در مقابل تفکر تشیع امام خمینی، سلفی‌های جدید اهم را نابود کردن تمام فرق اسلامی و در صدر آنها، شیعیان دوازده‌امامی و سنی‌هایی تلقی کرده است که داعش را نپذیرند (فراتی، ۱۳۹۲).

اصل توجه به مقتضیات زمان-مکان به شدت با اصولی مانند اهم و مهم، اجتهاد و جواز تفسیر متن در ارتباط است. تشیع با اجتهاد و تفسیر متن توانسته پویایی فقه خود را حفظ کند و برای مسائل جدید احکام مربوطه را استخراج کند. امام که از فقیهان نواندیش دوره خود بود، با اجتهاد و تفسیر متون دینی توانست نظریه ولایت فقیه در تشیع را کامل‌تر از پیشینیان مطرح کند و از آن یک مدل حکومتی برای شرایط زمانی فعلی در محدوده جغرافیایی ایران تبیین نماید. ایشان درباره رابطه توجه به مقتضیات زمان و مکان با حل منازعات در دنیای جدید چنین فرموده‌اند: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.» (صحیفه امام، امام خمینی، ج ۲۱: ۲۱۷ و ۲۱۸).

ایشان همچنین در مورد اهمیت پویایی حکومت اسلامی در حل مسائل امروز با جامعه فرمودند: «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات هدف اساسی این است که ما بتوانیم برای حل معضلات جامعه جواب داشته باشیم.» (صحیفه امام، امام خمینی، ج ۲۱: ۳۸۹).

یکی از دستاوردهای اهمیت به مقتضیات زمان و مکان، فراهم آوردن بستر حل تضادهای دنیای امروز و حوادث و پیشرفت‌های بشر با قوانین دینی و گسترش صلح بین مسلمانان است. در واقع امام خمینی بر اساس آموزه‌های تشیع در صدد حل معضلاتی بود که مسلمانان به علت پیشرفت‌های مختلف فناوری غرب از یکسو و فروپاشی قلمرو متحد اسلامی و تکه‌تکه شدن کشورهای اسلامی از سوی دیگر، با آنها مواجه شده‌اند.

ریشه‌های سلفی‌گرایی به فقهای اهل حدیث می‌رسد که از بزرگان فقه اهل سنت بوده‌اند. احمد ابن حنبل از جمله برجسته‌ترین این افراد بود که با استدلال عقلی به شدت

مخالف بود و رهبر فکری و معنوی اهل حدیث است. همچنین او بر برتری وحی بر عقل و نص گرایی و حدیث گرایی به عنوان رفتار خود تأکید می کرد. به همین ترتیب جریاناتی که به وسیله احمد ابن حنبل پایه گذاری شد و بعد از چند قرن توسط اشخاص دیگران همچون ابن تیمیه و شاگردانش گسترش یافت (نبوی و نجات ۱۳۹۳: ۱۳۶). اولین شخصی که تأثیرات کاملاً متفاوتی بر حوزه سلفی گرایی گذاشت سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶) است. او در واقع «پدر جهادگرایی افراطی معاصر» است. وی دو تأثیر مهم بر سلفی گرایی گذاشت که موجب شکل گیری نوسلفیسم شد. اولین تأثیر وارد کردن عنصر مبارزه با دولت های فاسد در کشورهای اسلامی بود. به عبارت دیگر روح انقلابی گری را در سلفی ها زنده کرد. دومین تأثیر سید قطب به کارگیری خشونت و رواج آن در نوسلفیسم بود. پس از وی ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) داعش در قوانین اجتماعی دارای نوعی عنصر بازگشت به گذشته است که موجب اقدامات خشونت بار علیه مردم می شود. یکی از مثال های مهم در مورد تضاد نوسلفیسم داعش با مقتضیات زندگی امروز بشر، احیای برده داری و برده فروشی به قانونی است. آن ها زنان و دختران مناطق تحت تصرف خود را به سبب کافر بودن به عنوان برده بین جنگجویان خود یا به مراکز فحشا در نقاط مختلف جهان می فروشند (Winter, 2015: 28-37). داعش با توجه به رفتار خشونت محور خود، دلیلی برای ایجاد بسترهای فرهنگی و تعلیمات طولانی مدت برای مجاب کردن مردم به بازگشت به نوعی از زندگی شبیه زندگی سلف صالح نیز نمی بینند. این تضاد افکار سلف گرایی با نوع زندگی کنونی بشر به همراه روش سریع و فاقد بستر سازی لازم، موجب شده بر خورد خشونت بار با مردم غیر قابل اجتناب می شود. نوسلفیسم مانند سلفیسم علت شکست های مسلمانان را عدم تبعیت از سلف صالح می داند. بنابراین می بایست نوعی بازگشت به گذشته صورت گیرد. در مورد اصل اهم و مهم نیز نوسلفیسم نابودی مسلمانان مخالف خورد را در اهم اهداف خود می گذارد. زیرا معتقدند این ها دشمنان نزدیک هستند که فتنه کردند و نابودی آن ها تقدم بر نابودی غیر مسلمانان دارد. روش داعش این است که با اعمال مجازات سنگین اعتقادات خود در بازگشت به گذشته را به مردم تحت تسلط خود تحمیل کند و این امر به شدت به تضاد و برخورد با جوانان و زنان منجر می شود. زنان به خصوص در رفت و آمد در فضای عمومی جامعه، محدودیت های زیادی را باید تحمل کنند و عدم رعایت این قوانین مجازات سنگین و خشونت باری را به همراه دارد (Kneip, 2016: 89-101).

۳- اصول تفسیر متن، اجتهاد و عقل‌گرایی در مقابل اصول نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی

تفسیر متن، اجتهاد و عقل‌گرایی با یکدیگر پیوستگی دارند. نقطه مقابل این سه رکن تفکر شیعی، اعتقاد به نص‌گرایی در اهل سنت بخصوص در نوسلفیسم وجود دارد. سؤال مهم این است که تفاوت نتایج اصول سه‌گانه فوق در تفکر تشیع در مقایسه با نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی نوسلفیسم چگونه است؟ در این بخش ابتدا اصول تفسیر متن، اجتهاد و عقل‌گرایی از تشیع و سپس نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی از اصول نوسلفیسم مورد بررسی قرار گرفته است.

تفسیر در تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد. تفسیر قرآن و سخنان امامان معصوم منبعی برای یافتن احکام دین و بخصوص موضوعات جدید در جامعه امروز تلقی در نظر گرفته می‌شود.

در بعد فقهی در اسلام ناب، تنها به ظواهر احکام بسنده نمی‌شود، بلکه ضمن حفظ ظواهر و پایبندی و عمل به احکام ظاهری، به اسرار احکام نیز توجه جدی صورت می‌گیرد (خامنه‌ای، فروردین ۱۳۸۱) ارکانی مانند شورای نگهبان نیز که وظیفه نگهبانی از قانون اساسی و شرع مقدس را دارند از تفسیر علمای اسلام برای کشف شرعی یا غیر شرعی بودن مصوبات مجلس استفاده می‌کنند. تفسیر متون توسط علما و مراجع و اهل فن آن، موجب ایجاد وحدت و جلوگیری از اختلاف و خشونت بین مسلمانان می‌شود. جواز تفسیر متن و اجتهاد زمینه را برای اتخاذ احکام جدید برای موضوعات جدید فراهم می‌کند. برای جمهوری اسلامی امروزه، مسائلی نظیر غرب‌گرایی جوانان، قومیت‌گرایی، جنبش‌های اجتماعی جدید، جامعه شبکه‌ای، جنگ نرم و بحران هویت از جمله موضوعات و چالش‌های جدید هستند. اتخاذ راهکار دینی مناسب در مورد آن‌ها نیازمند تفسیر و اجتهاد در متون دینی است (ملک محمدی و قلجی، ۱۳۹۲: ۳).

عقل‌گرایی در اصول فقه شیعه متبلور شده است. عقل‌گرایی عبارت است از اعتقاد به حجیت عقل به عنوان یکی از منابع فقه و مدارک احکام شرعی و پذیرش اجتهاد به معنی تلاش فکری و کوشش عقلانی برای استخراج و استنباط حکم شرعی موضوعات و مسائل مستحدث از راه شرعی. جایگاه عقل از گذشته مورد توجه شیعه بوده است. ابن عقیل (۳۲۹ ق)، ابن جنید اسکافی، شیخ مفید (۴۱۳ ق)، الکرachi (۱۴۰۵ ق) برای اولین بار در دوره غیبت جایگاه عقل در حیطه شرع را توضیح داده‌اند (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۰). از آیات قرآن

می‌توان به روشنی استفاده کرد که میان ایمان و عقل ارتباطی نزدیک وجود دارد. عقل و دین دو موهبت الهی‌اند که خداوند به بشر ارزانی داشته است تا به اهداف کمالی خود برسد (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۱). سؤال مهم در این بخش این است که عقل‌گرایی چه تأثیری در جلوگیری از تضاد یافتن تشیع با دنیای کنونی شده است؟

پیامبر (ص) در مورد جایگاه عقل به حضرت علی (ع) فرمودند: «یا عَلِیَّ اَلْعَقْلَ مَا اَكْتَسَبْتَ بِهَ الْجَنَّةُ وَ طَلَبَ بِهَ رَضِیَ الرَّحْمَنُ؛ یا علی عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند رحمان به دست می‌آید» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۳۶۹). امام خمینی (ره) در اندیشه خود سعادت و رستگاری واقعی انسان از طی صراط مستقیم و رهایی از افراط تفریط به دست می‌آید و شرع و عقل معیار این حرکت هستند: «انبیاء علیهم‌السلام آمدند؛ قانون‌ها آوردند و کتاب‌های آسمانی بر آن‌ها نازل شد که جلوگیری از اطلاق و زیاده‌روی طبیعت کنند و نفس انسانی را در تحت قانون شرع و عقل درآوردند. پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقلیه ملکات خود را تطبیق کرد، سعید است و از اهل نجات هست» (شرح چهل حدیث امام خمینی (ره): ۱۷).

عقل‌گرایی به مقدار زیادی با عنصر اجتهاد مرتبط است. عقلانیت مردم که محصول فرآیند تاریخی و درازمدت آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی از طریق کارکرد نظام آموزشی و تربیتی منسجم و هدف‌دار میسر می‌شود. عقل‌گرایی به نوعی با توسعه سیاسی، افزایش مشارکت مردم در حل بحران‌ها، کاهش خشونت و زمینه‌سازی فضای تعامل و تفاهم مرتبط است. جبر‌گرایی و نفی تقدیر‌گرایی، دنیا‌پذیری و اعتماد به نفس در سازندگی جامعه مطلوب تخصصی جمعی و در نتیجه غیرتخصصی شدن سیاست و تصمیم‌گیری شده و اسباب حل بحران مشارکت را فراهم آورده و سبب می‌شود تا بی‌ثباتی و ناستواری سیاسی از جامعه رخت بریندد. بدین ترتیب می‌توان توسعه سیاسی را مترادف با عقلانیت سیاسی، نهادینه شدن نظام سیاسی، بهبود فرآیند تصمیم‌گیری، نهادینه شدن فرآیند انتقال قدرت سیاسی و غیرتخصصی شدن سیاست و در نهایت گسترش عرصه عمومی و گفت‌وگو در جامعه تعریف کرد. با این بیان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی، عقلانیت (عقل‌گرایی) معرفی می‌شود. نظام اعتقادی شیعی برای انسان کمال ذاتی قائل است و عقلانیت رفتارها و اعمال رفتارها و اعمال حکومت دینی و انسان‌ها در ارتباط با کمال ذاتی وی سنجیده می‌شود (کریمی‌مله، ۱۳۷۷: ۴۰-۶۵). بنابراین عقل‌گرایی با مفهوم توسعه سیاسی پیوند می‌خورد

که نتیجه آن ایجاد فضای گفتگو برای حل مشکلات جامعه به‌دوراز جنجال‌های فرقه‌ای و دینی است.

اجتهاد آخرین عنصر از عناصر تفکر تشیع با تمرکز با تفکرات امام خمینی است که با نص‌گرایی و ظاهرگرایی تضاد دارد. اجتهاد یعنی استفاده از نیروی ذهن برای دستیابی به احکام شریعت از میان منابع و با کمک علم اصول فقه، به‌عنوان متدولوژی و ابراز استفاده از این منابع (حلاق، ۱۳۸۱: ۳۴). هدف اساسی بخش پیش رو این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه امروزی پیاده کنیم و برای معضلات دنیای اسلام، پاسخ داشته باشیم؟

امام خمینی در مورد اجتهاد فرمودند: «همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند» (صحیفه امام، امام خمینی، جلد ۲۱: ۲۸۹).

ایشان توجهی بسیار به اسلام در قالب حکومت و اجرای قوانین در جامعه داشت و از این جهت برای اجتهاد جایگاه ویژه‌ای قائل بود. در واقع اجتهاد را برای عملی ساختن قوانین اسلام در زمان فعلی و در قالب قوانین امروز لازم می‌دانست (صحیفه امام، امام خمینی (ره)، جلد ۲: ۴۶۶). در واقع اجتهاد راه‌حل برای حفظ پویایی دین اسلام است و موجب می‌شود دشمنان اسلام نتوانند دین اسلام را برای زمان گذشته تلقی کنند می‌توان از اجتهاد برای تصویب قوانین می‌توان استفاده کرد که در زمان پیامبر، ایشان برای معضلات خاص و اتفاقات جدید از آن استفاده می‌کردند (شعکه، ۱۴۱۳: ۱۱۰-۱۷۱). در فقه شیعه بحث در مورد «بست باب اجتهاد» هرگز به وجود نمی‌آید چرا که شیعیان غالباً بر این باورند که اجتهاد یک فرآیند مستمر می‌باشند. نکته دارای اهمیت آن است که شیعیان نیز مانند اهل سنت، قرآن را به‌عنوان نخستین منبع قانون می‌شناسند، ولی بر احادیث نیز تکیه می‌کنند، در واقع شیعیان روایات و احادیث منتسب به دوازده امام معصوم (ع) را منبع حقیقت برمی‌شمارند.

امام خمینی (ره) به دنبال این هدف بود که ضمن حفظ ارکان فقه سنتی، این مسئله را توضیح دهد که ما چگونه می‌توانیم اصول محکم فقه را در سطح فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات زندگی جمهوری اسلامی جواب مناسب داشته باشیم (فیرحی، ۱۳۸۷: ۵). ایشان درجایی دیگر پیرامون اجتهاد می‌فرمایند: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد هستند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به‌ظاهر

همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است. واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۸۹).

مسدودکنندگان باب اجتهاد هدف سیاسی خود را که چیزی جز اطاعت مطلق و کور مردم نبود، در پوشش ریاکارانه دفاع از متون مقدس دینی و جلوگیری از ورود اندیشه غیر خودی به جوامع اسلامی ارائه (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵).

در مجموع یکی از نمادهای فقهت شیعی و مجاهدت‌های علمای پیشین، سامان‌دهی و قانون‌مندی شیوه اجتهاد بر اساس روشمندی مطلوب از سوی امامان معصوم است تا از ورود صناعت‌های انحرافی، شیوه‌های التقاطی و باورهای غیر معقول و مشروع به عرصه دین جلوگیری به عمل آید (میرخانی، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۲). اگر اجتهاد نباشد شیوه‌های انحرافی و غیر عقلی موجب چنددستگی در جامعه و نزاع‌های مذهبی و فجایع خشونت‌بار می‌شد و زمینه را برای بروز جنگ‌های داخلی مسلمانان باز می‌کند. پس اجتهاد در سبب کاهش نزاع و تضاد و به دنبال آن کاهش برخوردهای خشونت‌آمیز می‌شود (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۹).

تاکنون سه اصل مرتبط باهم از تشیع که جملگی نقطه مقابل نص‌گرایی هستند توضیح داده شد. نص‌گرایی یکی از منابع اهل سنت است که به‌طور افراطی به وهابیت و سلفی‌گریان و سپس به نوسلفیسم به میراث رسیده است. نظیر آنکه باوجود اشارات مکرر قرآن به عدم جسمانیت خداوند، روند افراطی‌تری را به خود گرفت نظیر آنکه باوجود اشارات مکرر قرآن به عدم جسمانیت خداوند و حمل صفات خیریه بر معنای ظاهری آن شدند. سؤال اساسی در این بخش این است که نص‌گرایی و ظاهرگرایی چه تأثیری در تضاد و نزاع این گروه با سایر فرقه‌های اسلامی یا جوامع غیر اسلامی دارد؟

آنچه در ارجاع مستقیم به نص وجود دارد آن است که نص واجد نشانه‌های زیادی است که تولید خشونت می‌کند و اتکای به فهم غیر اجتهادی مؤمنان می‌تواند به کشتار دیگران منجر شود. این رفتار که با توجیه «ضرورت بازگشت بی‌واسطه به قرآن» شروع و تقویت شده است در ذات، خود مولد «رادیکالیسم اسلامی» در درون و بیرون جهان اسلام بوده و هست. نوسلفی بدین‌سان مفهوم «توحید» را در مقابل دو مفهوم «بدعت» و «شرک» قرار می‌دهند که یکی مستلزم خشونت در درون جوامع اسلامی و دیگری خشونت در بیرون جوامع اسلامی است (فیرحی، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳). در نگاه نخست ممکن است وجود ارتباط

میان نص‌گرایی با بروز خشونت ملموس نباشد، اما ریشه‌یابی و بررسی چرایی اعمال خشونت در بسیاری از وقایع سده اخیر، که در پوشش مذهب انجام گرفته است. گویای این است که تمایل به تحلیل نص‌گرایانه در استنباط از متون اسلامی علل برجسته و زمینه‌ساز حرکت‌های افراطی بوده است. هرچند «تکفیر» را به‌سان یک آموزه دینی قاعده‌مند و دارای ضوابط مشخص شرعی، در بسیاری از ادیان می‌توان یافت، اما ظاهر‌گرایی و نص‌گرایی در کنار بهره‌جستن از عنصر تکفیر به یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز خشونت و افراط در دوران حاضر تبدیل شده است (دهسرخ، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۶). تأکید وهایی‌ها بر انطباق و تقلید موجب شده که ظاهر و رفتار فرد، جلوه و بیان ملموس ایمان درونی او تصور گردد. چهره موردقبول برای شهروندان از نظر داعش داشتن ریش بلند، پوشیدن لباس بلند و محلی و عدم استفاده است لباس‌های غربی است. در این میان زنان بیش از سایر گروه‌ها مورد ظلم و خشونت قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه اجبار زنان به پوشش روبنده و منع آنان از بیرون آمدن بدون یکی از بستگان مذکر و همچنین اجبار آن‌ها به ازدواج‌هایی که تحت عنوان جهاد نکاح شناخته شده است. بنا بر ظاهر‌گرایی افراطی در میان نوسلفیسم، تکلیف همه مسلمان است که رفتار همسایگان خود را نیز زیر نظر داشته و در صورت گمراهی‌اش او را به راه راست هدایت کند (Marks, 2015: 5- 12).

در مجموع نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی شدید به دو علت موجب خشونت می‌شود. از یک طرف، کافر خواندن گروه‌هایی را به همراه دارد که به گذشتگان توسل می‌کنند یا برای فهم نصوص به علما رجوع می‌کنند. از طرف دیگر برداشت‌هایی که بدون وجود مرجعیت و متخصصان دین از نص می‌شود بنا به طرز تفکر و سطح فهم انسان‌ها متفاوت است و همین موجب اختلاف‌افکنی و کافر دانستن همه به‌جز خود می‌شود.

۴- اصل انصاف در اجرای قوانین در مقابل اصل کفر دانستن هرگونه مخالفت و دگراندیشی

یکی از موضوعات مورد اختلاف بین تفکر شیعی و نوسلفیسم عدم تناسب خطا و مجازات است. امام خمینی (ره) همواره بر رعایت انصاف و عدالت در برخورد با مجرمان و مخالفان تأکید داشته‌اند. ایشان همچنین هر سال با صلاح‌دید دستگاه قضایی کشور با عفو و تخفیف مجازات برخی مجرمان موافق می‌کردند. این مورد به نظر می‌رسد بین اهل سنت و نوسلفیسم نیز مورد اختلاف باشد. زیرا بسیاری از اعمال نوسلفیسم که تحت عنوان مجازات مجرمان و مخالفان انجام می‌گیرد با نص صریح قرآن تناقض دارد. در اینجا این سؤال مطرح

می شود که چه تفاوتی میان نوسلفیسم و تشیع در برخورد با قانون شکنان یا دگراندیشی مخالفان فکری خود است؟

در حکومت شیعی که امام خمینی (ره) در قالب جمهوری اسلامی در ایران سنگ بنای آن را نهاد، سرپیچی از قانون را حرام اعلام شد، ولی این گونه نیست که هر گونه مخالف با قوانین یا انتقاد به عملکرد نظام موجب کافر دانستن شهروندان و اعدام آن ها شود. زیرا در اسلام مورد نظر امام خمینی بر انصاف، عدالت و برابری جرم با مجازات تأکید شده است. ایشان در مورد لزوم رعایت عدالت بین همه انسان ها فرمودند: «اسلام مسائلی دارد که مربوط به همه بشر است، هیچ مملکتی دون مملکتی نیست، اسلام این طور نیست که یک مملکت داشته باشد تمام بشر را، هیچ قوم و خویشی با یک قُطری دون قُطری ندارد، اسلام یک دین الهی است، یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می خواهد در آورد، به یک صورت عادلانه در آورد» (صحیفه امام، امام خمینی، ج ۴: ۴۵۰).

امام خمینی (ره) بر عفو و آزادی زندانیانی که مشمول شرایط عفو و توبه و اصلاح شده بودند نیز تأکید فراوان داشتند. معروف است یک بار که ایشان در نامه ای به هیئت عفو برای آزادی ۴۰۰ زندانی تأکید کردند، مخالفت هایی از سوی برخی مقامات شده بود. یکی از مسئولان به امام گفته بود، هیئت عفو، زندانیان را آزاد می کند و زندانیان هم به مسعود رجوی ملحق می شوند. امام گفتند، اگر چهار نفر هم به آقای رجوی ملحق شده باشند ما نباید به خاطر آن چهار نفر، ۴۰۰ نفر را در زندان نگاه داریم، امام در ادامه به پشت گردنشان زدند و گفتند، بروید آزاد کنید، به گردن من (صحیفه امام خمینی، ج ۲۰: ۳۸۷). رهبر انقلاب نیز معتقد است مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده اند، برای هیچ کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر). با آنکه اکثریت علما سرپیچی از قوانین را جایز نمی دانند و تخلف از قوانین را در نظام جمهوری اسلامی حرام می دانند (اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۹۸۷) در واقع تخلف از قوانین در نظامی که امام خمینی طراحی آن را صورت داد بر اساس جرمی که فرد مرتکب شده تعیین می شود نه اینکه تمام جرائم مسلمانان در جامعه اسلامی خلاف قانون، کفر ورزیدن به خدا تلقی و مجازات خشونت بار مانند بریدن اعضای بدن یا مرگ در پی داشته باشد.

گروه نوسلفیستی داعش به لزوم اطاعت از خلیفه معتقد است که البته این ولی امر هم کسی جز ابوبکر بغدادی نیست و انکار علنی اعمال وی حرام و مستوجب تکفیر و مرگ است (نجات، ۱۳۹۵: ۴۴). برای بیان نمونه‌ای از آمار کشتار مخالفان توسط داعش، می‌توان به گزارش سازمان سرشماری دولت عراق اشاره کرد. بنا بر گزارش رسمی سازمان سرشماری این کشور که در ۱ ژوئن ۲۰۱۶ منتشر شد، از مارس ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۱۵ (قبل از اعلام رسمی داعش تا دوره اوج گستردگی قدرت این گروه در عراق) بیش از ۱۷۰ هزار شهروند عراقی توسط اعضای گروه تروریستی داعش کشته شده‌اند (گزارش سازمان سرشماری عراق از کشته‌های عراقی از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، ژوئن ۲۰۱۶ برگرفته از: <https://www.iraqbodycount.org/>). کشتار وسیع و همچنین کنار نوع کشتارها و شکنجه‌ها تضاد آشکار با متون و احکام اسلامی دارد. در اسلام انصاف و رأفت اسلامی بسیار مورد تأکید است ولی رفتار داعش با مردم سرزمین‌های غصب شده به دور هرگونه انصاف و رأفت اسلامی است.

۵- اصول عدالت بین اقلیت‌های دینی و دعوت به وحدت بین مسلمانان در مقابل اصل تکفیر فراگیر

ایجاد وحدت بین گروه‌های مختلف مسلمانان و گسترش فضای برادری بین مسلمانان در نظر امام خمینی (ره) به‌عنوان عالم شیعی به جایگاه مهمی داشت. عدالت و روابط مسالمت‌آمیز نیز با غیرمسلمانان موضوعی است که در اسلام توجه بسیار زیادی به آن شده است داعش از دو جهت در این زمینه با تشیع در تضاد آشکار است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که علت این سطح تضاد و نتیجه این تکفیر فراگیر توسط داعش چیست؟ امام خمینی در طول رهبری خود همواره بر وحدت فرقه‌های مختلف اسلامی تأکید داشتند. ایشان شیعه و اهل سنت را بردار یکدیگر می‌دانستند. به نظر می‌رسد بتوان تمامی اقدامات امام را با اصل دعوت و گسترش اسلام توضیح داد. تمامی اقدامات قبل از انقلاب دعوت رژیم پهلوی به بازگشت به آغوش اسلام و قطع رابطه با استعمارگران و سلطه‌طلبان به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی را می‌توان در قالب دعوت به وحدت بین مسلمانان و بسیج شدن نیرو علیه دشمنان اسلام توضیح داد. چنانکه سران کشورهای اسلامی را نیز به همین امر دعوت کرده بودند. پس از انقلاب نیز مقصود اصلی حضرت امام از «صدور انقلاب» صدور پیام‌های معنوی اسلام به مردم دیگر کشورها بود (لک زایی، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۵). حضرت امام در پیام خود در تاریخ ۲۳ بهمن ۵۷ به این امر اساسی چنین اشاره دارد:

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۳۳).

در سطوح اجتماعی نیز مبارزه با ظلم و برقراری عدالت اجتماعی لازم است. از نظر امام در عدالت اسلامی همه افراد در برابر قانون مساوی هستند. امام خمینی در مورد عدالت فرمودند: «عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. اسلامی که آن شخص اول با آن فرد آخر همه علی‌السواء در مقابل قانون باشند.» (صحیفه امام، جلد ۹: ۴۲۴).

ایشان رعایت عدالت در مقابل همه افراد از جمله اقلیت‌های دینی غیرمسلمان را توصیه می‌کردند. و هرگز آن‌ها را کافر ندانستند. امام خمینی در مورد اعمال فرایض مذهبی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی فرمودند: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای کلیه خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند. آن‌ها در بیان عقاید خود نیز آزادند.» (صحیفه امام، امام خمینی، ج ۱۱: ۲۹۰).

ایشان این تناسب جرم و مجازات در کنار پذیرش انتقادات از سوی مخالفان موجب نوعی فضای مسالمت‌آمیز در جامعه و کاهش تنش‌ها می‌شود.

تکفیر یکی از مفاهیم اندیشه اسلامی است و به معنای صدور حکم کافر شدن و یا کافر بودن فرد است؛ اما این مفهوم در گفتمان نوسلفیسم جایگاه برجسته‌ای را پیدا کرده است. نوسلفی‌ها به خود اجازه می‌دهند که علیه مسلمانان دیگر در صورتی که اعمالشان مورد قبول نباشد، به عنوان کافر و مرتد اعلام جنگ دهند، چه رسد به غیرمسلمانان. نوسلفی‌ها در کشتار غیر سلفی‌ها، به ویژه شیعیان، به هر ابزاری متوسل می‌شوند و این عمل را فرضیه می‌دانند (نجات، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۵). مطابق آموزه‌های اسلام تشیع، کافران از نگاه نوع برخوردشان با مسلمانان دودسته‌اند: شماری از سر دشمنی، اذیت و آزار مسلمانان را پیشه خود ساخته‌اند و دسته دیگر کسانی هستند که خصلت تجاوزکارانه ندارند و می‌خواهد در محدوده خویش به زندگی عادی ادامه دهند. اسلام بین این دو گروه، تفاوت قائل است. و از دید اسلام، آنان که در صدد آشوب و خون‌ریزی و تجاوز نباشند و بخواهند زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، اسلام نیز نه تنها سر جنگ ندارد، بلکه به مسلمانان سفارش می‌کند که با آنان به نیکی رفتار کنند. اما درباره دسته اول خداوند می‌فرماید: «با کسانی که

با شما جنگ دارند در راه خدا بجنگید ولی تعدی نکنید زیرا خداوند تجاوز کاران را دوست ندارد» (بقره، ۱۹۰).

نوسلفیسم با کافر دانستن همه موجب افزایش اختلاف بین مسلمانان شده‌اند. همان‌طور که مسلم است اختلافات بین مسلمانان، تنها به نفع کسانی است که به هیچ‌یک از فرق اسلامی اعتقادی ندارند و در واقع دشمن تمام جهان اسلام هستند. (نجات، ۱۳۹۵: ۳۲-۳۳)

۶- اصل منع جهاد ابتدایی در مقابل اصل جهاد فراگیر

منع جهاد ابتدایی و جهاد فراگیر دو اصطلاح کاملاً متضاد هستند که اولی متعلق به تفکر شیعی و دومی متعلق به تفکر نوسلفیسم است. حال این پرسش مطرح است که کدام نوع جهاد موجب خشونت حداقلی و کدام نوع جهاد خشونت حداکثری می‌شود؟

بین تشیع در قالب تفکرات امام خمینی و نوسلفیسم در قالب داعش، نمایان‌ترین اختلاف از نظر ظهور خشونت، چگونگی برخورد با عنصر جهاد است. اختلاف در چگونگی برداشت از جهاد، موضوعی است که نتیجه برداشت‌های متفاوت تشیع و نوسلفیسم از عناصری است که در قسمت‌های قبل به آن‌ها اشاره شد. در اینجا برای روشن شدن بحث به مواردی پرداخته اشاره می‌شود که در تشیع جهاد واجب می‌شود. موارد جهاد در فقه شیعه چند مورد است. یک مورد، جهاد ابتدایی است، یعنی جهاد بر مبنای اینکه اگر دیگران مشرک و ظالم باشند، اسلام اجازه می‌دهد که مسلمین و لو اینکه سابقه عداوت و دشمنی هم با آن‌ها نداشته باشند به آن‌ها حمله کنند برای از بین بردن شرک و ظلم. در این نوع جهاد است که اذن امام یا منصوب خاص امام شرط است. از نظر فقه شیعه این نوع جهاد جز در زمان حضور امام یا کسی که شخصاً از ناحیه امام منصوب شده باشد جایز نیست، زیرا تشخیص آن می‌بایست توسط امام معصوم صورت گیرد و گرنه ممکن است با تشخیص اشتباه به کشور گشایی ختم شود. مورد دوم جهاد آنجایی است که حوزه اسلام مورد حمله دشمن قرار گرفته، یعنی جنبه دفاع دارد. امام خمینی نیز در برشمردن اختیارات ولی فقیه، در مبحث «امر به معروف و نهی از منکر» فقیهان جامع شرایط را نایبان عام حضرت ولی عصر (عج) معرفی کرده که در اجرای حدود و تعزیرات، به جز جهاد ابتدایی، جانشین آن حضرت هستند. ایشان جهاد ابتدایی از وظایف فقیه در دوره غیبت حذف کرده‌اند (تحریر الوسیله امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۵۹). در دوران دفاع مقدس ایشان بر مراقب فرماندهان نظامی در مورد غیرنظامیان کشور متخاصم تأکید می‌کردند. معروف است هنگامی که پس از فتح خرمشهر فرماندهان نظامی تشخیص به ورود به خاک عراق دادند امام خمینی اظهار نگرانی

از آسیب دیدن مردم غیرنظامی داشتند، با آنکه دولت عراق هیچ گونه توجهی به این موضوعات نداشت (هاشمی رفسنجانی، خرداد ۱۳۹۳).

جهاد ابتدایی تمایز مهمی بین تشیع و نوسلفیسم ایجاد می کند زیرا نظام اسلامی تحت تفکر شیعی را از اقدامات سلیقه‌ای بر حذر دارد که ممکن است تحت تأثیر برداشت‌های اشتباه از اوضاع سیاسی داخلی کشورهای دیگر صورت گیرد و صلح را به خطر بیندازد. در مورد جهاد فراگیر که رکن بسیار مهمی در اندیشه نوسلفیسم به خصوص داعش است می توان به نظریات ابوالاعلی مودودی اشاره کرد. او یکی از متفکران و اندیشمندان جهان اسلام که آرا و اندیشه‌های او الگوی جریان‌های اسلامی معاصر بوده و تأثیرات زیادی بر جریان فکری نوسلفی گری داشته است. وی معتقد است جهاد بر تمام عبادات مقدم است و مؤمن واقعی از غیراز آن با میزان التزام و اقدامش در جهاد تمیز داده می شود. نگاه ایجابی و افراطی و جهاد از سویی و نقد بنیادی و براندازانه مودودی به مکاتب رقیب از سوی دیگر، وی را به عنوان توجیه گر پیکارجویی و خشونت معرفی می کند که از آن به عنوان جنگ مقدس تعبیر نموده است (نجات، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۴).

۷- به رسمیت شناختن مرزها اقتدار سیاسی کشورها در مقابل نابودی تمام دولت‌ها

قبول یا رد مرزهای کنونی بین کشورها و چگونگی برخورد با اقتدار سیاسی دولت‌هایی که اکنون در جهان اسلام و خارج از آن شکل گرفته اند از جمله اختلافات مهم تشیع و نوسلفیسم است. سؤال اصلی این است که این تفاوت چیست و از چه منبعی ناشی می شود؟ در تشیع امام خمینی وحدت امت اسلامی هدفی حاکم بر روابط بین مسلمانان در جامعه اسلامی محسوب می شود. اعتقاد به امت واحد بودن همه مسلمانان برای دولت اسلامی، از اصولی است که آن دولت را در سیاست خارجی از دولت‌های ملی ممتاز می کند. امام خمینی دارای اندیشه سیاسی خاص بود که اساس حکمرانی را شکل داد، این نگرش خاص به حوزه سیاست، تبعاتی در حوزه روابط خارجی بوده و نگاه خاصی را در این حوزه ایجاد کرده است (شکوهی، ۱۳۹۳: ۱۵۱). ایشان مخاطب پیام اسلام را نوع بشر می داند: «اسلام برای بشر آمده است، نه برای مسلمین و نه برای ایران... نهضت برای اسلام نمی تواند محصور باشد در یک کشور و نمی تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی... با تمام وجود باید تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.» (صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۸۰).

امام خمینی همچنان امت‌گرایی را به‌عنوان هدفی غایی می‌داند. ایشان فرمودند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول استعمارطلب.» (صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۸۰).

البته برای مرحله گذار و رسیدن به وضعیت مطلوب امت اسلامی، مرزهای فیزیکی به رسمیت شناخته شده است؛ چراکه در شرایط فعلی، مرزهای طبیعی و جغرافیایی در معادلات جهانی حکومت می‌کند و تمام روابط بین‌المللی بر آن استوار است و نظم جهانی بر پایه این مرزبندی شکل گرفته است. با نگاهی به سخنان و بیانات امام خمینی (ره)، درمی‌یابیم که ایشان نه تنها با ملت و ملیت به‌عنوان یک واحد سیاسی و اجتماعی، همانند سایر واحدهای دیگر نظیر قوم، قبیله، طایفه و غیره، به‌عنوان یک سطح تحلیل مخالفتی ندارند، بلکه آن را به‌عنوان واقعیت موجود در جهان معاصر پذیرفته و به رسمیت می‌شناسد. ایشان از نزادهای مختلف، همچون «دندانه‌های شانه» یاد می‌کند که هیچ‌یک بر دیگری تفوق ندارند. ایشان وطن و زادگاه را محترم می‌شمارد (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۸۰).

به رسمیت شناختن مرزها و حاکمیت کشور بر مرزهای خود نقش مهمی در ثبات و صلح در یک منطقه دارد. دولت اسلامی شام و عراق یا همان داعش، مرزهای کنونی کشورهای اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد. هدف آن، بازگشت به مرزهای زمان اوج شکوفایی خلافت اسلامی است. در واقع مقصود آن‌ها از به رسمیت نشناختن مرزها برگرفته از حس برادری و مسلمانی بین مسلمانان و تلاش برای وحدت امت اسلامی نیست؛ بلکه برعکس، ناشی از نیت آن‌ها برای نابودی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان منطقه خاورمیانه است که داعش آن‌ها را کافر می‌داند. ابوبکر ناجی یکی از چهره‌های اسرارآمیز «نوسلفی‌ها» و از نظریه‌پردازان جدید این جریان است. کتاب وی با عنوان «مدیریت توحش» را می‌توان بیانیه گروه داعش به شمار آورد. این کتاب دنیایی را به تصویر می‌کشد که در آن، ابرقدرتی آمریکا از بین رفته و مرز کشورهای مسلمان به هرچ و مرج و توحش کشیده شده است. اساس بیانیه توحش چنین است: تجزیه کشورهای دارای حاکمیت با راه‌اندازی جنگ‌های داخلی و ایجاد بحران در همه نقاط کشور و یا منطقه، به‌طوری که مسئولان آن کشور تضعیف شوند و قدرت خود را از دست بدهند. در چنین حالتی، مدیریت توحش می‌تواند زمینه‌ساز هدف دوردست خود یعنی «خلافت اسلامی» باشد (نجات، ۱۳۹۵: ۳۶).

جدول ۱: تضاد اصول فکری تشیع و نوسلفیسم به طور نظیر به نظیر

اصول فکری تشیع با محوریت تفکرات امام خمینی	اصول فکری نوسلفیسم با محوریت داعش
تفسیر متن، اجتهاد و عقل‌گرایی	نص‌گرایی و ظاهر‌گرایی
انصاف در اجرای قوانین	کفر دانستن هرگونه انتقاد و قانون‌شکنی
عدالت بین اقلیت‌های دینی و دعوت به وحدت	تکفیر فراگیر و شیعه‌ستیزی
توجه به اصل‌اهم - مهم و مقتضیات زمان - مکان	سلف‌گری
منع جهاد ابتدایی	جهاد فراگیر
به رسمیت شناختن مرزها اقتدار سیاسی کشورها	نابودی تمام دولت‌ها

۸- نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله بحث شد مقایسه تضادهای اصول تشیع و اصول نوسلفیسم است. نوشتار پیش رو دارای چهار نتیجه است. اول اینکه تضاد بین رفتار نوسلفیسم و رفتار تشیع برگرفته از اصولی است که این دو تفکر از آن‌ها تبعیت می‌کنند؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه چه افرادی مجریان و متفکران گرایش‌های تشیع و نوسلفیسم در قالب دولت شیعی (نظام جمهوری اسلامی) یا گروه نوسلفیستی (گروه تروریستی داعش) باشند، این دو نوع تفکر دارای تضاد و دشمنی همیشگی هستند. دوم اینکه گروه نوسلفیستی داعش در اصول دارای عقایدی است که ذاتاً در رفتارشان به خشونت می‌رسد و تفکر شیعی دارای اصولی است که ذاتاً در رفتارشان به صلح و رفتار مسالمت‌آمیز می‌رسد. نتیجه سوم این است که عقاید نوسلفیسم (با تمرکز بر داعش) هرکدام جداگانه یا بعضی در اتفاق یکدیگر در مخالفت نظیر به نظیر با عقاید تشیع (با تمرکز بر امام خمینی) است. یعنی هر یک از عقاید نوسلفیسم دارای نقطه مقابل دقیقی در عقاید شیعی است و این تضاد در نوشتار پیش رو به طور نظیر به نظیر به نمایش در آمد. در به‌عنوان مثال ممنوع بودن جهاد ابتدایی دقیقاً نقطه مقابل جهاد فراگیر است. ممنوع بودن جهاد ابتدایی در تشیع موجب می‌شود که حکام اسلامی از کشورگشایی بر حذر داشته شوند و خودبه‌خود دارای نتیجه صلح و فضای مسالمت‌آمیز است. این در حالی است که در نوسلفیسم جهاد فراگیر، حاکم اسلامی را تشویق به جنگ با تمام دولت‌ها می‌کند و این عقیده خودبه‌خود منجر به تنش و جنگ و خشونت می‌شود. نکته قابل توجه اینکه این مبارزه با حکومت‌ها در نوسلفیسم باید از درون جهان اسلام شروع شود که جنگ داخلی به همراه دارد. نتیجه آخر اینکه مهم‌ترین تفاوت نوسلفیسم با سلفیسم افراطی بودن آن در برخورد با حکم جهاد است. این برخورد افراطی موجب شد در مدت کوتاه ظهور خود، موجب خشن‌ترین رفتارها در دنیای اسلام شود و این میزان خشونت شدیدتر از پیشینیان سلفی خود است.

منابع و مأخذ:

- نجات، سید علی. (۱۳۹۵). **کالبدشکافی داعش**. تهران: انتشارات ابرار.
- **منابع لاتین:**
- Marks, Monica. (2015). "Tunisia's Ennahda: Rethinking Islamism in the context of ISIS and the Egyptian". **RETHINKING POLITICAL ISLAM SERIES**. August 2015, pp:1-14.
- Kneip, Katharina. (2016). "Female Jihad – Women in the ISIS". **Politikon: IAPSS Political Science Journal**. pp88-111. from: <http://webcache.googleusercontent.com>
- Winter, Charlie. (2015). "Women of the Islamic State A manifesto on women by the Al-Khanssaa Brigade". Translation and analysis by the Quilliam Foundation. from: <https://www.quilliamfoundation.org>
- **منابع عربی:**
- جمال الدین، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). **"لسان العرب"**. الناشر: دار صادر – بیروت
- شعکه، مصطفی. (۱۴۱۳ ق.). **"الانمّه الاربعه"**. قاهره: دارالمصریه اللبنانیه.
- شیخ صدوق. **"من لایحضره الفقیه"**. ج ۴، ص ۳۶۹
- **منابع اینترنتی:**
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۱). **"ابعد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص) از دیدگاه امام خمینی (ره)"**. بازیابی شده در فروردین ۱۳۹۱. برگرفته از <http://farsi.khamenei.ir/>
- فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۹۳). **"بررسی فقهی جریان‌های تکفیری"**. (بهمن ۱۳۹۲). بازیابی شده در بهمن ۱۳۹۳ از سایت: <http://www.ihs.ac.ir/>
- <http://www.imamkhomeini.ir/>
- گزارش سازمان ملل: **"نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و جنایت علیه بشریت از سوی داعش در عراق"** برگرفته از: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930410001283> (بازیابی شده در اسفند ۱۳۹۳)
- گزارش سازمان "سرشماری عراق از کشته‌های عراقی" از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵: <https://www.iraqbodycount.org/analysis/numbers/2015/>
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. **"توصیه مهم امام بعد از آزادی خرمشهر"**. کد مطلب: ۵۰۳۸۵. تاریخ مطلب: ۱۳۹۳/۰۳/۰۴. برگرفته از: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n22471>
- قرآن کریم
- حسن زاده، صالح. (۱۳۸۸). **"تعامل و ترابط عقل و ایمان در قرآن و نقش هدایتی آن"**. **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی** سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۸۸ صفحه ۱۳۱ تا ۱۴۴
- حلاق، وب؛ کاظمی نجف‌آبادی، عباس. (۱۳۸۱). **"اجتهاد در میان اهل سنت"**. **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، پاییز و زمستان ۱۳۸۱. شماره ۸ و ۹
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). **صحیفه نور**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی – سازمان چاپ و انتشارات.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). **صحیفه امام خمینی (ره)**. جلد ۱۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). **تحریر الوسیله**. تهران: انتشارات دارالعلم
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). **شرح چهل حدیث**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهرسخی، شہامت. (۱۳۹۴). **"خشونت مذهبی در پناه نص گرای (ظاهر گرای)، بررسی موردی سلفی گرای در اسلام و بنیاد گرای در مسیحیت"**. **فصلنامه معرفت ادیان**. سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، بهار ۱۳۹۴، ص ۳۳ - ۵۵
- شکوهی، سعید. (۱۳۹۳). **"نگرش قدسی به سیاست و تأثیر آن بر نگاه امام خمینی به روابط خارجی"**. **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**. سال پنجم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۳. صفحه ۱۵۱ تا ۱۷۲.
- شفیعی، محمود. (۱۳۸۷). **"افتضاها و امتناع‌های عقل‌گرای در فقه سیاسی شیعه"**. **فصلنامه شیعه شناسی**. شماره ۲۳.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۷). **"امام خمینی، اجتهاد انقلابی و انقال در اجتهاد"**. **فصلنامه علوم سیاسی**. بهار ۱۳۷۸. شماره ۴.
- فیرحی، داوود. (۱۳۹۰). **فقه و سیاست در ایران معاصر**. تهران: نشر نی.
- کریمی مله، علی. (۱۳۷۷). **"عقل‌گرای دینی و توسعه سیاسی"**. **فصلنامه قبسات**، شماره ۷.
- لک زایی، نجف. (۱۳۸۷). **سیر تطور سیاسی امام خمینی (ره)**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۵). **"اجتهاد شیعی: سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها"**. **فصلنامه تحقیقات حقوقی**. پاییز و زمستان ۱۳۸۵. شماره ۴۴.
- ملک محمدی، حمیدرضا. قلجی، حسین. **"چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن و لزوم بازنگری در سیاست‌گذاری کلان امنیت ملی"**. **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**. سال پنجم، شماره ۲۳. تابستان ۱۳۹۲. صفحه ۳ تا ۱۸.
- میرخانی، عزت السادات. (۱۳۸۷). **"اجتهاد توسعه مسائل زنان"**. **فصلنامه ندای صادق**. شماره ۲۸.
- نبوی، سید عبد الا میر، نجات، سید علی. (۱۳۹۳). **"جریان شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه در بر اساس تحلیل گفتار"**. **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**. سال چهارم. شماره چهارم.